پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

معنی شعر شیر و موش

۱. شیری در جنگلی خوابیده بود، موش کوچکی خواب او را پریشان کرد و بر هم زد.

۲. موش آن قدر گوش شیر را گاز گرفت و گاهی گوش او را رها کرد و دوباره گازش گرفت.

۳. تا این که شیر از خواب بیدار شد و از دست موش بد رفتار، عصبانی و خشمگین شد.

۴. دستش را جلو برد و سر موش را گرفت، موش بازیگوش گرفتار شد و به چنگ شیر افتاد.

۵. شیر خواست موش را در زیر پنجه ی دستش له کند و او را بالا ببرد و به زمین بکوبد.

۶. شیر گفت: ای موش لوس بی‌ارزش! تو با دم شیر بازی می‌کنی !

(با دم شیر بازی کردن یک ضرب المثل است یعنی: شوخی کردن و درگیر شدن با کسی که بسیار قدرتمندتر از تو است.)

۷. موش بیچاره ترسید، گریه کرد و شروع کرد به التماس کردن.

۸. گفت: تو شاه حیوانات درنده هستی و من یک موشم. موش در مقابل پادشاه درندگان و حیوانات وحشی، هیچ و بی‌ارزش است.

۹. تو بزرگی و من اشتباه کرده‌ام. از تو انتظار دارم مرا ببخشی.

۱۰. شیر با این گریه و التماس موش، دلش به رحم آمد. پنجه اش را باز کرد و موش را رها کرد.

۱۱. اتفاقا (از قضا) سه چهار روز بعد ، این بلا سر شیر آمد.

۱۲. صیادی برای صید گرگ ، در آن اطراف تله گذاشته بود.

۱۳. اما تله ی شکارچی نصیب شیر شد و شیر به جای گرگ در دام افتاد.

۱۴. وقتی موش از اوضاع شیر آگاه شد ، شتابان به سمت او رفت تا او را از دام آزاد کند.

۱۵. بندها را با دندانش جوید و این کار را ادامه داد تا بالاخره شیر از آن تله، رها شد.

۱۶. چون شیر یک بار موش را رها کرده بود ، خودش هم از دست شکارچی رها شد. (شیر به موش رحم کرد و او را نکشت و خودش هم به خاطر کمک موش ، از دام رها شد.)

هم‌خانواده درس پانزدهم		
متغیر: تغییر	وحوش: وحشی	مغفرت: استغفار
عوض: تعویض	حاصل: محصول	تکلیف: مکلف
تعلق: معلق	مربوط: ربط – رابط	موفقیت: توفیق – موفق
راضی: رضا – رضایت	میل: مایل – امیال	وضع: اوضاع – وضعیت
مخالف درس پانزدهم		
سخت # آسان	خفته # بیدار	بهترین # بدترین
خواب # بیدار	حقیقت # دروغ	موفقیت # شکست
درست # غلط	گریه # خنده	تشویق # تنبیه
رهایی # اسارت	آخرین # اولین	جدی # شوخی